

آسیب‌شناسی سیاست کیفری در صدور آراء وحدت رویه

ضرغام نرهئی،^۱ مرتضی فتحی^۲

چکیده

در نظام حقوقی ایران، رویه قضایی الزام‌آور را باید در آراء وحدت رویه جست‌وجو کرد. به همین دلیل آراء مذکور جزء منابع اصلی حقوق محسوب می‌شود. اگر قائل باشیم که رویه در اثر ثبات و استمرار شکل می‌گیرد، الزام مراجع قضایی به تبعیت از یک نظر تفسیری معین که به فاصله چند ماه پس از تصویب قانون صادر می‌شود را نمی‌توان «رویه» تلقی کرد؛ زیرا در این معنا، شأن تفسیری دیوان عالی به قاعده‌گذاری حقوقی تقلیل می‌یابد. با لحاظ نقد مذکور، این پژوهش تلاش کرده با تحلیل محتوای پنجاه و هشت رأی وحدت رویه که در فاصله زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۱ صادر شده است، ضمن تشریح فلسفه و جایگاه رأی وحدت رویه، آراء مذکور را طبقه‌بندی کند و مولفه‌های سیاست کیفری هیأت عمومی دیوان عالی ایران را استخراج نماید. این مولفه‌ها مشتمل بر فقدان روش‌شناسی ضابطه‌مند در تفسیر، اتخاذ سیاست کیفری سهل‌گیرانه و تعدی از نص قانون است؛ ضمن این‌که، اهم دلایل کثرت صدور آراء وحدت رویه در بازه زمانی فوق‌الذکر را می‌توان در مشارکت حداقلی کارگزاران اجرایی در تصویب قوانین، پراکندگی و آزمایشی بودن قوانین و عدم انسجام بین سیاست کیفری تقنینی و قضایی احصاء کرد.

واژگان کلیدی: سیاست کیفری، رویه، دیوان عالی کشور، قانون، تفسیر.

۱. دانشجوی دکترا گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران
zarqam.narehei@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق جزا دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)
m99fathi@yahoo.com

درآمد

پس از پیروزی انقلاب و استقرار حکومت اسلامی، اصلاح نظام قضایی رژیم سابق یکی از نخستین چالش‌هایی بود که ذهن انقلابیون را به خود مشغول داشت. در این میان، آنچه موجب چالش جدی بین «عرف» و «شرع» شد، قوانین کیفری بود؛ چه این که قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ مبتنی بر منابع فقهی و ملاحظات مراجع عظام تصویب شده بود و قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ و لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ نیز مغایرتی با شرع نداشت، اما در قیاس با قوانین کیفری پس از انقلاب، قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ با اصلاحات ۱۳۵۲ با تلقی متفاوتی از جایگاه منابع فقهی و موازین شرعی در قوانین کیفری، به تصویب رسیده بود. از همین رو، در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کمترین اصلاح در قلمرو قوانین مدنی و تجارت صورت گرفت؛ حال آن‌که، قوانین جزایی بارها شاهد تغییرات بنیادین بود. نخستین اراده قانون‌گذار به ترتیب در شهریور و مهرماه ۱۳۶۱، با تصویب آزمایشی «قانون حدود و قصاص و مقررات آن» و قانون راجع به مجازات اسلامی (مواد عمومی) متجلی شد. سپس در سال ۱۳۶۲ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) نیز به صورت آزمایشی به تصویب کمیسیون امور قضایی مجلس شورای اسلامی رسید. این قوانین در سال ۱۳۷۰ با یکدیگر تلفیق و در مجموع با عنوان «قانون مجازات اسلامی» (مواد ۱ تا ۴۹۷) شناخته شد؛ تا آن‌که در سال ۱۳۷۵ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی با عنوان «تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده» (مواد ۴۹۸ تا ۷۲۹) به عنوان قانون دائمی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید؛ در حالی که، چهار کتاب اول با توجه به آزمایشی بودن (در چهارچوب اصل هشتماد و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) تا سال ۱۳۹۲ تمدید شد. در نهایت قانون مجازات اسلامی در اردیبهشت ۱۳۹۲ (مواد ۱ تا ۷۲۸) در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی به صورت آزمایشی تصویب شد. تحول مهم بعدی در اردیبهشت ۱۳۹۹ و با تصویب قانون موسوم به «کاهش مجازات حبس تعزیری» اتفاق افتاد.

نگاهی گذرا به قوانین کیفری پس از پیروزی انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که تقریباً هر دهه، تحولات بنیادینی در قلمرو حقوق کیفری رخ داده و همین امر بر کارآمدی قانون اثرگذار بوده است (عقیق و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۱۸). از دیگر سو، چنین

تحولاتی با حقوق و آزادی‌های شهروندان در ارتباط است و سیاست کیفری مطلوب اقتضاء دارد همواره «یکپارچگی»^۱ در کل فرایند تقنین، اجرا و تفسیر رعایت شود؛ چه این‌که، مجازات به عنوان نقطه کانونی تقنین کیفری، بیش از آن‌که امری نظری (تئوری)^۲ باشد، ماهیت کارکردی^۳ دارد (Brooks, 2012: 4) و به عنوان شدیدترین واکنش جامعه در برابر بی‌هنجاری، همواره مراجعان و کارگزاران دستگاه عدالت کیفری را متأثر می‌کند. تفسیر الزام‌آور دیوان عالی در قالب رأی وحدت رویه، به عنوان رویه قضایی خاص، یکی از همین واکنش‌ها است. از این رو، برخی به استناد اصل تفکیک قوا، لزوم صدور حکم به طور خاص، قاعده اعتبار امر قضاوت شده و وظیفه دادرس در انطباق هر مورد خاص با قانون، مخالف منبع حقوقی بودن رویه قضایی هستند. در مقابل، موافقان با اتکای به مطلق نبودن اصل تفکیک قوا، استقلال رویه قضایی از دادنامه‌ای واحد و پویایی رویه قضایی نسبت به قانون، از رویه قضایی به شکل عام و رأی وحدت رویه به صورت خاص حمایت می‌کنند (جمشیدپور و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۹۸).

پژوهش حاضر با تمرکز بر تحولات قانون‌گذاری دهه نود شمسی، بر فرایند اجرا و تفسیر قوانین کیفری متمرکز شده و این پرسش را مطرح می‌کند که آیا تحولات قانون‌گذاری کیفری در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۱ در سیاست کیفری هیأت عمومی دیوان عالی کشور در صدور آراء وحدت رویه اثرگذار بوده است. در این مقاله به این نتیجه رسیده‌ایم که بین تصویب قوانین جدید و تعداد آراء وحدت رویه، ارتباط مستقیم وجود دارد و سیاست کیفری هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز در صدور آراء وحدت رویه با تحولات قانون‌گذاری عجین شده است. برای رسیدن به چنین نتیجه‌ای ابتدا جایگاه نهاد رأی وحدت رویه در نظام قضایی ایران تبیین شده تا آن‌گاه با تقسیم‌بندی آراء وحدت رویه، بتوان میزان پراکندگی و مولفه‌های سیاست کیفری در صدور آراء وحدت رویه را استخراج کرد.

اهمیت پژوهش حاضر از آن جهت است که در کنار قانون اساسی و قوانین عادی، آراء وحدت رویه جزء منابع اصلی حقوق کیفری محسوب شده و از نظر

-
1. Integrity.
 2. Theoretical.
 3. Functional.

لازم‌الاجرا بودن، حکم قانون را دارد. در این سال‌ها، پژوهش‌هایی به طور خاص، برخی آراء وحدت رویه را مورد مطالعه قرار داده است،^۱ اما پژوهشی که به طور کلان، مجموع آراء وحدت رویه کیفری را بررسی کند ملاحظه نشد. در این میان، مقاله «رویکرد تفسیری دیوان عالی کشور در حمایت از حقوق و آزادی‌ها با تأکید بر آراء حقوقی» جزء معدود پژوهش‌های کلان‌نگر در این قلمرو بوده است (نجفی و دیگران، ۱۳۹۸). از این رو، با توجه به خلأ پژوهش در این حوزه و با توجه به متغیر بودن تفسیر قواعد حقوقی جزایی در زمان و مکان (لازرژ، ۱۳۲: ۱۳۹۰) اقتضاء چنین پژوهشی در رابطه با آراء وحدت رویه دهه‌های پیشین نیز وجود دارد.

۱. جایگاه و فلسفه رأی وحدت رویه در نظام قضایی ایران

اصولاً نهادهای حقوقی به دنبال سلسله‌ای از رویدادهای تاریخی، رشد و توسعه پیدا می‌کنند (Baker, 2019: 3). نهاد رأی وحدت رویه نیز از نظر تاریخی، به «قانون مربوط به وحدت رویه قضایی» مصوب ۱۳۲۸/۴/۷ بازمی‌گردد؛ با این حال معلوم نیست نهاد رأی وحدت رویه با چه توجیهی وارد نظام قانون‌گذاری ایران شد و به طور دقیق نمی‌توان گفت که این نهاد «ابداعی» است یا «اقتباسی» (رفیعی، ۱۴۰۰: ۲۲۵). در خصوص اقتباسی بودن این نهاد، می‌توان به ترتیب نظام حقوقی کامن‌لا و رومی ژرمنی را مورد مطالعه قرار داد.

در کشورهای متکی بر نظام کامن‌لا و از جمله انگلستان، از آن جایی که قضات نقش فعالی در انتظام‌بخشی به قواعد حقوقی داشته‌اند، سوابق قضایی^۲ جزء مهم‌ترین منابع حقوق محسوب می‌شود؛ بدین معنا که قضات با احصاء و تفکیک حقوق مشترک، نظام حقوقی را شکل داده‌اند. در گام بعدی با توسعه گزارش حقوقی^۳، قضات در صدور آراء خود از احکام پرونده‌های قبلی راهنمایی گرفتند و به این ترتیب از قرن نوزدهم قاعده کلی «الزام قضات به متابعت از آراء دادگاه‌های عالی

۱. برای نمونه می‌توان به این مقاله‌ها اشاره کرد: اکرمی، ۱۳۹۴؛ محسنی، ۱۳۹۶ و فراهانی، ۱۴۰۱.

2. Judicial Precedents.

۳. به دلیل تعداد بالای گزارش‌های حقوقی یا law reporting در قرن نوزدهم، در سال ۱۸۶۵ شورای گزارش حقوقی (Council of Law Reporting for England and Wales) تأسیس شد و شروع به انتشار گزارش‌های مستند از آراء پرونده‌ها نمود. در کنار شورای مذکور، نهادهای دیگری مانند مجله مشاورین حقوقی (Solicitors Journal) از سال ۱۸۵۶ نسبت به انتشار گزارش‌های حقوقی اقدام می‌کند.

در پرونده‌های مشابه» ایجاد و موجب شکل‌گیری نهاد «سوابق قضایی الزام‌آور»^۱ در مقابل «سوابق قضایی موثر»^۲ شد. در کنار منبع فوق که می‌توان آن را قانون‌گذاری^۳ قضایی دانست، اعتبار قواعد ماهوی از قانون‌گذاری، کتاب‌های قدیمی معین^۴ و به طور محدودی آداب و رسوم محلی^۵ نیز ناشی می‌شود. نکته حائز اهمیت آن‌که، پارلمان اعم از مجلس اعیان^۶ و اعوام^۷ عالی‌ترین مرجع قانون‌گذاری در انگلستان است و هیچ نهادی وجود ندارد که بتواند مصوبات پارلمان را ملغی کند (Barker & Padfield: 2007: 26). در فرایند تصویب قوانین تلاش می‌شود تا حد امکان، قانون به طور واضح و شفاف تدوین شود، اما ناگزیر چون قانون حاصل تلاش‌های انسانی است، مصون از تفسیر نخواهد بود. به همین سبب، قضات برای کشف معنای قانون، به قانون تفسیر مصوب ۱۹۷۸^۸ (با اصلاحات بعدی) مراجعه می‌کنند که یک قانون کلی است که تعاریف و قواعد تفسیر را بیان می‌کند. به علاوه، قوانین مصوب دارای دیباچه یا Preamble است که هدف تصویب قانون را اعلام می‌کند. مراجعه به این دیباچه می‌تواند راهنمای تفسیر قضات باشد؛ ضمن این‌که، اگر قضات به روش‌های مذکور نتوانند قانون را تفسیر کنند، آن‌گاه به «قواعد کامن‌لا» (مانند قاعده لفظی^۹، قاعده طلایی^{۱۰}، قاعده مستثنی‌کننده^{۱۱} و غیره) و یا امارات (مانند اماره خلاف مسئولیت کیفری^{۱۲}، اماره علیه رفتارهای خودسرانه^{۱۳} و سوء استفاده از قدرت^{۱۴} و غیره) متوسل می‌شوند (Ibid: 32-34)؛ بنابراین در نظام حقوقی انگلستان، از یک سو رویه قضایی از طریق محاکم عالی شکل می‌گیرد و از دیگر سو، تفسیر قانون نیز بر اساس اصول

1. Binding Precedents.
2. Persuasive Precedents.
3. Legislation.
4. Certain Ancient Textbooks.
5. Local Custom.
6. House of Commons.
7. House of Lords.
8. Interpretation Act, 1978.
9. The Literal Rule.
10. The Golden Rule.
11. The Exclusionary Rule.
12. Criminal Liability.
13. Arbitray Conduct.
14. Abuse of Power.

و قواعد هادی انجام می‌شود. از این منظر نهاد رأی وحدت رویه به معنایی که در حقوق ایران شکل گرفته و ماحصل اختلاف بین دو مرجع قضایی است وجود ندارد. در کشورهای متکی بر نظام حقوقی رومی ژرمنی یا مبتنی بر حقوق نوشته، قانون مهم‌ترین منبع حقوق است. به همین سبب نیز در کشورهای تابع این نظام، رویه قضایی الزام‌آور فاقد جایگاه است. از این رو در کشور فرانسه با وجود آن‌که شأن دیوان عالی «ایجاد وحدت در تفسیر قواعد است»، اما ارائه تفسیر به معنای الزام مراجع قضایی تالی نیست (صدرزاده افشار، ۱۳۷۷: ۵۶ و ۵۷). به عبارتی، شأن اولیه دیوان آن است که اگر مسائل حکمی را خلاف قوانین تشخیص داد، رأی را نقض و پرونده را به مرجع مشابه ارجاع دهد. شأن دیگر دیوان فرانسه نیز وفق قانون ۱۵ مه ۱۹۹۱ پاسخ به پرسش‌های مطروح از سوی محاکم دادگستری است، اما این نظرات تفسیری هم الزام‌آور نیست و دادگاه‌ها می‌توانند به خلاف نظر مشورتی دیوان حکم دهند (جمشیدپور و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۰۹). از این رو، دیوان عالی فرانسه به خلاف دیوان عالی ایران، شأن صدور رأی وحدت رویه را ندارد.

با امعان نظر به نگاه تطبیقی فوق، وفق ماده واحد مصوب ۱۳۲۸ و در ابتدای ایجاد نهاد رأی وحدت رویه، فقط اختلاف رویه در شعب دیوان عالی کشور و نه سایر دادگاه‌ها می‌توانست منتهی به صدور رأی وحدت رویه شود. چنین نگرشی احتمالاً از آن‌جا ناشی می‌شده که یگانه مرجع رویه قضایی، دیوان عالی کشور است. به عبارتی، اگر رویه قضایی را در معنای خاص در نظر بگیریم، مرجع عالی می‌تواند برای سایر محاکم ایجاد رویه کند؛^۱ حال آن‌که، در ادامه توسعه نهاد رأی وحدت رویه،

۱. آنچه هم‌اکنون در نظام قضایی ایران تحت عنوان «رویه قضایی» وجود دارد و گفته می‌شود رویه آن مجتمع قضایی یا رویه آن شعبه در برخورد با یک موضوع «این‌گونه» یا «آن‌گونه» است، در واقع رویه قضایی نیست؛ هر چند می‌تواند زمینه‌ای برای شکل‌گیری رویه باشد (Duxbury, 2008: 22)؛ بلکه پیشتر می‌توان آن را «استنباط قضایی» و یا حتی «سلیقه قضایی» نامید. «رویه قضایی» آن‌گاه شکل می‌گیرد که در اثر تکرار، ثبات و استمرار به چنان جریان غالبی در رسیدگی قضایی تبدیل شود که دست‌کم اکثر مراجع رسیدگی از آن پیروی کنند. در نظام‌های حقوقی، چنین رویه‌ای از سوی مراجع عالی (مانند دیوان عالی کشور) شکل می‌گیرد. از این رو برخی گفته‌اند «شاید منظور اصل یکصد و شصت و یکم قانون اساسی از ایجاد وحدت رویه، گسترش فرجام‌خواهی بوده است؛ یعنی دیوان عالی کشور می‌تواند همانند سایر کشورها با رسیدگی فرجامی خود بر آراء دادگاه‌های پایین‌تر نظارت کند و ایجاد وحدت رویه کند؛ نه این‌که با صدور رأی وحدت رویه به شکل فعلی به وضع قاعده بپردازد» (اسلامی‌پناه، ۱۳۹۷: ۲۶۳). به علاوه، اگر رویه را در معنای جریان فکری غالب در تصمیم‌گیری قضایی بدانیم، در این صورت دیوان عالی کشور در تعارض بین دو جریان فکری باید

ماده ۳ «لایحه قانونی اصلاح قسمتی از مواد قانون آیین‌نامه دادرسی کیفری مصوب اول مرداد ۱۳۳۷»، دادگاه‌ها را نیز وارد قلمرو صدور رأی وحدت رویه نمود.

پس از انقلاب اسلامی نیز نهاد رأی وحدت رویه استمرار یافت. در سال ۱۳۷۸ ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مواد سابق را تجمیع کرد و اختلاف شعب دیوان و اختلاف دادگاه‌ها با یکدیگر را محل صدور رأی وحدت رویه دانست. آخرین اراده قانون‌گذار در سال ۱۳۹۲ و با تصویب ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری متجلی شد. ذیل ماده ۲۷۰ مقرر شده است: «آرای هیأت عمومی دیوان عالی کشور نسبت به احکام قطعی شده بی‌اثر است ولی در موارد مشابه تبعیت از آن برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم می‌باشد». ماده ۴۷۱ با افزایش دامنه تابعان، آن را به «سایر مراجع» نیز تسری داد. طبق این ماده «... رأی اکثریت در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها و سایر مراجع اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است، اما نسبت به رأی قطعی شده بی‌اثر است». طبق این ماده و کلاً نیز می‌توانند از طریق رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور نظر هیأت عمومی را درخواست کنند؛ موضوعی که در ماده ۲۷۰ وجود نداشت. به علاوه، در ماده ۲۷۰ تصریح شده بود رأی اکثریت هیأت عمومی که مطابق «موازین شرعی» باشد ملاک عمل خواهد بود؛ حال آن‌که در ماده ۴۷۱ قید «موازین شرعی» حذف و به طور کلی بیان شد که رأی اکثریت لازم‌الاتباع است. به نظر می‌رسد حذف این عبارت با آگاهی بوده؛ چه این‌که دیوان عالی کشور در مقام صدور رأی وحدت رویه به نوعی اقدام به قانون‌گذاری می‌کند؛ حال آن‌که فرایند تقنین و از جمله اصل چهارم قانون اساسی یعنی تشخیص مطابقت با موازین اسلامی طبق نظر فقهای شورای نگهبان رعایت نمی‌شود؛ با این حال استدلال مخالفان در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پذیرفته شد؛ با این مبنای که دیوان عالی کشور در مقام وضع قانون نیست و صرفاً قانون موجود را تفسیر می‌کند؛ یعنی قانونی که فرایند تصویب و از جمله اصل چهارم قانونی اساسی را طی کرده است؛ ضمن این‌که، ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز به تأیید شورای نگهبان رسیده و با در نظر داشتن ملاحظات

یکی را بر دیگری ترجیح داده و تکلیف محاکم را در موارد مشابه معلوم کند، اما گاه پیش آمده که دیوان عالی کشور، نظر سومی ارائه داده و در مقام رأی وحدت رویه، آن را برای دادگاه‌ها الزام‌آور کرده است. چنین رویکردی در کنار این تلقی که نهاد رأی وحدت رویه خلأهای موجود در قانون را پوشش می‌دهد، از بنیان با ماهیت رویه که ماحصل تکرار و استمرار است، مغایرت دارد.

فوق، اعضای شورای نگهبان بر آن صحنه گذاشته‌اند.

۲. طبقه‌بندی آراء وحدت رویه (۱۴۰۱-۱۳۹۲)

سال ۱۳۹۲ دو قانون مهم شامل قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری تصویب و به نظام کیفری ایران وارد شد. این قوانین در ماهیت و شکل رسیدگی، منشاء تحولات جدیدی شدند. درجه‌بندی مجازات‌های تعزیری، شناسایی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، حذف مجازات‌های بازدارنده و اضافه شدن نهادهای ارفاقی از یک‌سو و تغییرات صورت گرفته در ساختار رسیدگی دادگاه‌ها از سوی دیگر، موجب شد تا در مقام اجرای قانون، فروض و برداشت‌های متعددی به وجود آید که قانون‌گذار در مقام وضع قاعده بدان توجهی نکرده بود. به علاوه، قوانین مذکور بنیان نظام کیفری ایران را تشکیل می‌دهد و به شکل مستقیم یا غیر مستقیم بر سایر قوانین کیفری اثرگذار است. در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹ نیز قانون کاهش مجازات حبس تعزیری به تصویب رسید و با توسعه جرائم قابل گذشت و کاهش مجازات حبس، موجب حدوث اختلاف‌های بسیاری در رسیدگی شد؛ به گونه‌ای که در فاصله زمانی ۱۳۹۲ تا پایان سال ۱۴۰۱، دیوان عالی کشور پنجاه و هشت رأی وحدت رویه صادر کرد که به نسبت مدت مشابه قبل، یعنی ابتدای ۱۳۸۲ تا انتهای ۱۳۹۱ که ۳۵ رأی صادر شده بود،^۱ افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است.

طبق داده‌های فوق در جهت تحلیلی جامع از آراء وحدت رویه اصداری، در گام نخست بر اساس دو معیار موضوع و قانون منشاء، آراء وحدت رویه را تقسیم‌بندی کرده‌ایم. در پی این تقسیم‌بندی، به دنبال آن هستیم تا میزان پراکندگی آراء در موضوع‌های ماهوی، شکلی و قوانین منشأ اختلاف را شناسایی کنیم؛ چه این‌که، معیارهای مذکور نقطه کانونی صدور آراء وحدت رویه بوده است.

۲-۱. به اعتبار موضوع

بر اساس یک تقسیم‌بندی سنتی، قواعد حقوقی از حیث ایجاد حق و نحوه اجرای حق، به مقررات شکلی و ماهوی تقسیم شده است. معیار قواعد شکلی تعریف مندرج در ماده ۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ است. تمام مقررات ناظر

۱. تحول مهم دهه هشتاد شمسی، احیای دوباره دادسرا در قالب «قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸» بود.

به «کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجی‌گری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه»، صلاحیت مراجع کیفری و ادله اثبات در قلمرو قواعد شکلی است؛ با این حال، گاه تفکیک بین قواعد شکلی و ماهوی دشوار است. برخی درصدد تفکیک این دو حوزه بر مبنای سه معیار ویژگی (خاصیت اخلاقی، ارزش و کلان‌نگر بودن قوانین ماهوی در مقابل قوانین شکلی که ناظر به اجرای قانون است)، اهداف (قانون ماهوی به ارزش‌های جامعه و قانون شکلی به اجرای بیرونی قانون نظر دارد) و کارکرد (قانون ماهوی به دنبال ایجاد حق و قوانین شکلی ابزار جلوگیری از تضییع حق است) برآمده‌اند (غرفی و دیگران، ۱۴۰۰: ۹۱)؛ با این حال ممکن است برخی از آراء وحدت رویه قابل تشکیک باشد، از این رو، مصادیق مردد نیز به امر ماهوی ملحق شد؛ چه این‌که، تفسیر ماهوی کلان‌نگر و در مقام ایجاد حق بوده و به طور مستقیم موجب ایجاد دو اثر می‌شود: نخست، افزودن یا کاستن از دامنه محکومان؛ و دوم، شدید یا خفیف شدن میزان مجازات. بر همین اساس، با صرف نظر از این‌که آیا تفسیر دیوان عالی منطبق با قواعد حقوقی است یا خیر، در پژوهش حاضر صرفاً در پی کشف سیاست کیفری دیوان عالی کشور برآمده‌ایم؛ چرا که تحلیل جهات قانونی استدلال دیوان عالی کشور در قلمرو علوم جنایی حقوقی می‌گنجد (نجفی‌ابرنادادی، ۱۳۹۰: ۳۹) و از موضوع پژوهش حاضر انصراف دارد. با این توضیح، از مجموع پنجاه و هشت رأی صادره از سال ۱۳۹۲ تا انتهای ۱۴۰۱، سی و هشت درصد (بیست و دو رأی) جز آراء ماهوی^۱ و شصت و دو درصد (سی و هشت رأی) جز آراء شکلی^۲ بوده است. از مجموع آراء وحدت رویه صادره می‌توان برداشت کرد که ایرادهای شکلی و به ویژه اختلاف در صلاحیت، منشاء صدور آراء وحدت رویه بوده و آراء وحدت رویه شکلی بر آراء ماهوی غلبه دارد.

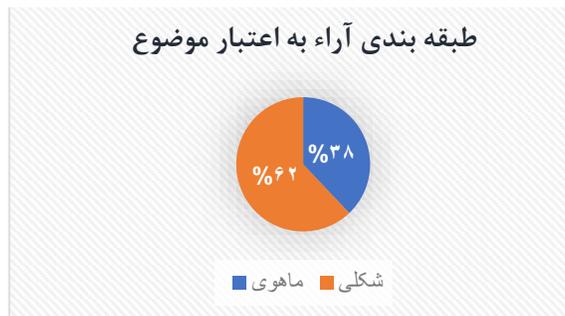
۱. شامل آراء وحدت رویه شماره: ۷۳۰، ۷۳۸، ۷۴۰، ۷۴۶، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۴، ۷۶۶، ۷۷۰، ۷۷۶، ۷۷۷،

۷۷۸، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۹۰، ۷۹۵، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۴، ۸۱۴، ۸۱۵ و ۸۲۶.

۲. شامل آراء وحدت رویه شماره: ۷۲۹، ۷۳۱، ۷۳۴، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۹، ۷۵۱، ۷۵۲،

۷۵۴، ۷۵۶، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۲، ۷۶۵، ۷۶۸، ۷۷۲، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۸۵، ۷۸۷، ۷۹۶، ۷۹۷، ۸۰۰، ۸۰۷،

۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۳، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۲۰، ۸۲۲ و ۸۲۵.



۲-۲. به اعتبار قانون منشاء

بر مبنای قانون منشاء، به ترتیب قانون مجازات اسلامی با بیست و سه رأی^۱، قانون آیین دادرسی کیفری با یازده رأی^۲، قانون مبارزه با مواد مخدر با هشت رأی^۳ و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با شش رأی^۴ جزء قوانین پرتکرار در صدور آراء وحدت رویه بوده‌اند. در عین حال، ده رأی وحدت رویه^۵ نیز در ارتباط با سایر قوانین و مقررات کیفری صادر شده است.

طبقه بندی به اعتبار قانون منشاء



۱. شامل آراء وحدت رویه به شماره: ۸۱۵، ۸۱۳، ۸۰۸، ۸۰۷، ۸۰۴، ۷۹۹، ۷۹۸، ۷۹۵، ۷۹۰، ۷۸۲، ۷۷۸، ۷۷۷، ۷۷۰، ۷۶۶، ۷۶۴، ۷۶۱، ۷۵۹، ۷۴۶، ۷۴۰، ۷۴۴، ۷۳۷، ۷۳۱ و ۷۲۹ است.
۲. شامل آراء وحدت رویه به شماره: ۸۲۵، ۸۲۰، ۸۱۸، ۷۹۶، ۷۸۷، ۷۶۸، ۷۵۸، ۷۵۶، ۷۵۴، ۷۵۲ و ۷۴۲ است.
۳. شامل آراء وحدت رویه به شماره: ۸۲۶، ۸۱۴، ۷۷۶، ۷۷۲، ۷۶۵، ۷۴۵ و ۷۳۸ است.
۴. شامل آراء وحدت رویه به شماره: ۸۰۹، ۷۸۳، ۷۶۲، ۷۵۱، ۷۴۹ و ۷۳۶ است.
۵. شامل آراء وحدت رویه به شماره: ۸۲۲، ۸۱۷، ۸۰۰، ۷۹۷، ۷۸۵، ۷۷۵، ۷۷۴، ۷۶۰، ۷۳۴ و ۷۳۰ است.

از مجموع آرای صادره که به طور مستقیم ناشی از قانون مجازات اسلامی بوده، تعداد هفت رأی در سال ۱۳۹۹ صادره شده است. این تعداد رأی، بیشترین تکرار را از زمان تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ داشته که حاکی از تأثیر گسترده تصویب قانون کاهش حبس تعزیری است. در مقابل، قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۵ پرتکرار در صدور رأی وحدت رویه بوده؛ در این سال، ۳ رأی صادره شده^۱ که عمدتاً ناشی از اختلاف در صلاحیت است.

در قانون مبارزه با مواد مخدر نیز به طور میانگین هر سال تقریباً یک رأی صادر شده، اما در سال ۱۳۹۴ دو رأی ناظر به اعدام منتشر شد؛ بدین ترتیب که طی رأی وحدت رویه شماره ۷۴۳، احکام اعدام متهمان مواد مخدر قابل فرجام‌خواهی در دیوان دانسته شد و بر اساس رأی وحدت رویه شماره ۷۴۵ مقرر شد که آراء محکومیت مرتکبان جرایم مواد مخدر به استثنای احکام اعدام که تا تاریخ ۱۳۹۴/۳/۳۱ (نسخ ماده ۳۲ قانون مبارزه با مواد مخدر طبق ماده ۵۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری) صادر شده قطعی و لازم‌الاجراست.

آخرین قانون پرتکرار در صدور رأی وحدت رویه، قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز است. از مجموع شش رأی صادره، دو رأی (آراء وحدت رویه شماره ۷۴۹ و ۷۵۱) در سال ۱۳۹۵ صادر شد که به ترتیب در خصوص تعیین مرجع رسیدگی ناظر به حمل چوب و هیزم و ذغال حاصل از درختان جنگلی و نگهداری تجهیزات دریافت از ماهواره بود.

۳. مولفه‌های سیاست کیفری در صدور آراء وحدت رویه

با بررسی موردی آراء وحدت رویه صادره، سه مولفه اساسی فقدان روش‌شناسی، اتخاذ سیاست کیفری سهل‌گیرانه و تعدی از نص قانون استخراج شد که در ادامه به تشریح آن خواهیم پرداخت.

۳-۱. فقدان روش‌شناسی ضابطه‌مند در تفسیر

روش‌های تفسیر اصولاً به شکل‌گرایی حقوقی^۲ (منشأگرایی) و واقع‌گرایی^۳ (مکاتب پویا) تقسیم شده است (نجفی و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۰۰-۲۹۸)؛ با این حال

۱. شامل آراء وحدت رویه به شماره: ۷۵۲، ۷۵۴ و ۷۵۶ است.

2. Legal Formalism.

3. Legal realism.

تفسیر در قلمرو حقوق کیفری گونه‌های متفاوتی دارد که تقسیم بر اساس مرجع تفسیر (قانونی، قضایی، دکترین و نهادهای مشورتی)، بر اساس مکاتب تفسیری (تبعیت از اراده مقنن، تفسیر آزاد و تفسیر قابل قبول) و بر اساس روش‌های علمی (ادبی، اصولی، تاریخی، منطقی، لفظی، مضیق، به نفع متهم و موسع) از جمله آن‌هاست (قیاسی، ۱۳۹۸: ۶-۱۰)؛ بنابراین مفسر با گزینش روش تفسیر می‌تواند به صورت منسجم، منطقی و ضابطه‌مند، قواعد و اصول تفسیر را با قانون تطبیق دهد؛ در غیر این صورت، نتیجه هر گونه تبیینی از اجمال، ابهام، تعارض و سکوت قانون بدون لحاظ مبنا و ضابطه، به معنای اعمال سلیقه و ذوق قضایی و نه تفسیر خواهد بود؛ چه این‌که، تفسیر حاصل استخراج مدلول قانون با کاربست نظر علمی است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۲۲۱).

این‌که هیأت عمومی دیوان عالی کشور بر اساس کدام یک از روش‌های تفسیر، اقدام به صدور آراء وحدت رویه می‌کند، قابل تأمل است. به طور مشخص می‌توان بیان کرد که در صدور آراء وحدت رویه کیفری روش‌شناسی مختار و منسجمی وجود ندارد و فقدان روش منسجم در تفسیر قوانین کیفری، الگویی پایدار نیز در اختیار دادگاه‌های تالی قرار نخواهد داد (امیدی، ۱۳۹۹: ۲۲). از این رو، آن‌گاه که سنگ بنای صدور رأی وحدت رویه، «تفسیر به نفع متهم» یا «تفسیر مضیق»^۱ است، تکلیف قضات در جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور روشن است. آنان با اصول تفسیری مذکور در پی آن هستند که از لفظ و ظاهر فراتر روند و قانون را به نحوی تفسیر کنند که مساعد به حال متهم باشد. برای نمونه در آراء وحدت رویه شماره ۸۱۴ (تفسیر کلمه «ارسال» در ماده ۴ قانون مبارزه با مواد مخدر) و شماره ۸۲۶ (مبنای محاسبه «سابقه محکومیت قطعی در بند پ ماده ۴۵ قانون مبارزه با مواد مخدر)، در متن آراء بر تفسیر مضیق نصوص کیفری و تفسیر به نفع متهم تأکید شده است؛ حال آن‌که در یک شکل‌گرایی محض در هنگام صدور رأی وحدت رویه شماره ۷۹۵، تشدید مجازات شلاق تعزیری ولو آن‌که فراتر از هفتاد و چهار ضربه باشد، مورد قبول واقع شد. این رویکرد تفسیری در عبارات رأی وحدت رویه شماره ۸۱۷ نیز قابل ملاحظه است و دیوان با اتکاء به شکل و ظاهر قانون، سعی کرده حکم مسأله را استخراج کند.

۱. رابطه بین تفسیر به نفع متهم با تفسیر مضیق یا موسع، عموم و خصوص من وجه است.

بنای استدلال این رأی بر نص محوری استوار است و بیان شده «قابل فرجام بودن آراء دادگاه‌ها، امری استثنایی و نیازمند نص است و در هیچ‌یک از مقررات مربوط چنین نصی وجود ندارد»؛ بنابراین اعسار از پرداخت دیه قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور نیست.^۱

۳-۲. الزامات اجرایی و اتخاذ سیاست کیفری سهل‌گیرانه

در مورد قوانین و مقررات کیفری ماهوی، زمانی که از سیاست کیفری سخت‌گیرانه یا سهل‌گیرانه سخن به میان می‌آید، مقصود مجازات‌های تعزیری است؛ زیرا حدود، قصاص و دیات مجازات‌های ثابت و تابع نص است و دیوان عالی کشور در رابطه با ماهیت این نوع مجازات‌ها وارد تفسیر نمی‌شود. هر چند که از حیث فرایند و نحوه اجراء، این گونه نبوده و مثلاً دیوان در مورد میزان دیه یا نحوه پرداخت آن (آراء وحدت رویه شماره ۸۰۸، ۸۰۴، ۷۸۲، ۷۷۷، ۷۶۱ و ۷۴۰) تصمیم‌گیری کرده است. در ادامه بر همین مبنا شاخص‌های سیاست کیفری سهل‌گیرانه دیوان بررسی می‌شود.

۳-۲-۱. توسعه نهادهای ارفاقی

نهادهای ارفاقی سنتی که پیش از حکومت قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ وجود داشت، شامل تخفیف مجازات، تعلیق اجرای مجازات و نظام آزادی مشروط بود، اما بعد از سال ۱۳۹۲ نهادهای دیگری مانند معافیت از کیفر (ماده ۳۹)، تعویق صدور حکم (ماده ۴۰)، نظارت یا کنترل تحت سامانه‌های الکترونیکی (ماده ۶۲)، مجازات‌های جایگزین حبس (ماده ۶۴)، توبه (مواد ۱۱۴ تا ۱۱۹) و قاعده دراء (مواد ۱۲۰ و ۱۲۱) وارد قوانین کیفری ایران شد. توسعه نهادهای مذکور حکایت از آن دارد که تمایل قانون‌گذار به دوری‌گزینی از رویکرد سزاکرایانه و تأکید بر نهادهای کیفری نوین است. این که در عمل، تا چه میزان قضات تمایل به بهره‌گیری از نهادهای نوین ارفاقی دارند، خود بحث مستقلی است (پورقهرمانی و نگهدار، ۱۳۹۷: ۲۶). به علاوه، در اردیبهشت ۱۳۹۹ با تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، ضمن کاسته شدن از مجازات حبس تعزیری، بسیاری از نهادهای حقوق کیفری مانند جرائم

۱. این تبیین به معنای اعمال «وحدت تفسیر» و کاستن از تنوع و تکثر در تفسیر نیست، بلکه مقصود آن است که مفسر با علم به مجرای روش‌های متنوع تفسیر، مانع استنادات و استفاده ناروا از تفسیر شود.

قابل گذشت، تعدد جرم، تکرار جرم، مصادیق خاص شروع به جرم و معاونت در جرم، تقلیل مجازات، تبدیل مجازات، تعلیق مجازات، جایگزین‌های حبس، مجازات تکمیلی، نظام نیمه آزادی، نظارت با سامانه‌های الکترونیکی، انشاء حکم و صلاحیت محاکم نیز متحول شد (میرزایی یزدی و موسوی، ۱۳۹۹: ۲۵۵). این تحولات در رویکرد قضات هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز اثرگذار بوده و آنان در تفسیر قانون به نحوی عمل کرده‌اند که حکایت از توسعه هر چه بیشتر نهادهای ارفاقی دارد. چنین رویکردی را می‌توان در آراء وحدت رویه شماره ۷۸۳ (اعمال تخفیف مشمولان اعدام و حبس ابد مواد مخدر)، ۷۷۸ (قابل تعلیق بودن بزه موضوع ماده ۷۰۲ قانون مجازات اسلامی) و ۷۴۶ (نحوه تعیین مجازات جایگزین حبس) جست‌وجو کرد؛ با این حال در موارد معدودی دامنه شمول نهادهای ارفاقی محدود شده است؛ مانند رأی وحدت رویه شماره ۷۶۴ که بر اساس آن در خصوص محکومان به حبس دائم، آزادی مشروط قابل اجرا نیست.

۲-۳. غلبه رویکرد حبس‌زدا و سیاست بزه‌کارمحور

از قرن نوزدهم به بعد با کاهش مجازات‌های بدنی،^۱ مجازات‌های سالب آزادی^۲ توسعه پیدا کرد (Seymour, 2006: 73)؛ به نحوی که این‌گونه مجازات‌ها بخش جدایی‌ناپذیر نظام عدالت کیفری شد. به تعبیر فوکو^۳ «زندان راه‌حل کریهی است که نمی‌توان از آن اجتناب کرد» (فوکو، ۱۳۹۰: ۲۸۶). همین اجتناب‌ناپذیری موجب شده است سیاست‌گذاران عدالت کیفری در هر برهه، رویکرد متفاوتی نسبت به آن اتخاذ کنند. در ایران آمار دقیقی از تعداد زندانیان در دسترس نیست. با مراجعه به وبسایت سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور نیز آماری مشاهده نشد (وبسایت سازمان زندان‌ها، ۱۴۰۲)؛ حال آن‌که رئیس سازمان زندان‌ها در مصاحبه‌ای بدون اشاره به آمار دقیقی از تعداد زندانیان، بیان می‌دارد که «در جمهوری اسلامی ایران ما بالاتر از حد میانگین جهانی زندانی در زندان‌های کشور داریم» (وبسایت خبرآنلاین، ۱۴۰۱). این امر در شرایطی است که حسب اعلام سخن‌گوی فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران هزینه هر نفر زندانی در سال ۱۴۰۱ به طور میانگین حدود

1. Corporal Punishment.
2. Imprisonment Punishment.
3. Michel Foucault.

ده میلیون تومان بوده است (خبرگزاری مهر، ۱۴۰۱). همین امر موجب شده که در سال‌های اخیر در سیاست‌های کلی و اسناد بالادستی (سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری و برنامه‌های پنج‌ساله توسعه) به تدریج بر کاهش یا حذف مجازات حبس به عنوان اصلی‌ترین مجازات در نظام کیفری ایران تأکید شود. با این حال، در عمل و پس از گذشت بیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، هم‌چنان نمی‌توان سیاستی منسجم و از پیش تعیین شده برای کیفرگذاری ترسیم نمود (سبزواری‌نژاد، ۱۴۰۱: ۱۷۵). در دهه شصت و دوران جنگ تحمیلی، اصولاً قانون‌گذار بر مجازات‌های شدید و حبس‌های طولانی مدت تأکید داشت؛ گو این‌که، مجازات صورتی از تلافی اجتماعی بود (وایت و هینز، ۱۴۰۱: ۳۰۵). در دهه هفتاد و با تصویب قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، درصد فراوانی کیفر حبس بیش از هر مجازات دیگری بود. تا آن‌که در سال ۱۳۹۲ با تصویب قانون مجازات اسلامی و تحت تأثیر رویکردهای اصلاح و تربیت، نهادهای جایگزین حبس پیش‌بینی شد. «قانون کاهش مجازات حبس تعزیری» مصوب ۱۳۹۹ بیش از هر قانونی بر سیاست کیفری حبس‌زدا تأکید کرد. در همین راستا، هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز هم‌سو با قانون‌گذار عمل کرده است. به عنوان نمونه، طی رأی وحدت رویه شماره ۷۴۶، اعمال مجازات‌های جایگزین حبس در خصوص مواد ۶۵، ۶۶، ۶۸ و ۶۹ قانون مجازات اسلامی منوط به شرایط مذکور در ماده ۶۴ نشد تا محکومان بیشتری از کیفر حبس رهایی یابند.

در کنار رویکرد حبس‌زدا که بدان اشاره شد، از مجموع آراء صادره از سوی هیأت عمومی دیوان عالی کشور می‌توان چنین استنباط کرد که نتیجه رأی وحدت رویه اعم از شکلی یا ماهوی، بیش از آن‌که به نفع بزهدیدگان باشد، حمایت از حقوق متهمان و محکومان است. چنین رویکردی در صدور آراء وحدت رویه شماره ۷۷۰ (غیر منصوص بودن جرم رابطه نامشروع و امکان کسر ایام بازداشت قبلی از محکومیت مرتکب)، ۸۱۴ (عدم امکان تعیین مجازات تعزیری برای جنبه عمومی جرم به استناد قسامه)، ۸۲۲ (آنی بودن جرم تغییر کاربری اراضی)، ۸۲۶ (محاسبه سابقه محکومیت قطعی بر مبنای محکومیت قابل اجرا پس از اعمال نهادهای ارفاقی) و ۷۵۶ (تسری تسلیم به رأی به محکومیت‌های تعزیری قابل فرجام) نمود یافته است.

۳-۲-۳. توسعه اعتراض به آراء

اعتراض به آراء، این امکان را برای متهمان فراهم می‌کند تا پرونده آنان از سوی قضات متعدد و از جنبه‌های متفاوت بررسی شود. به هر میزان که قانون‌گذار چنین شرایطی را توسعه دهد، حکایت از سیاستی سهل‌گیرانه به نفع متهم دارد و رسیدگی قضایی از سوی مراجع مختلف موجب اتقان آراء قضایی خواهد شد. در خصوص آراء وحدت رویه دهه نود شمسی، می‌توان بیان داشت که دامنه اعتراض به آراء توسعه پیدا کرده است. هرچند که این امکان صرفاً برای متهم نیست و به عنوان نمونه در رأی شماره ۸۲۰ مقرر شد که در جرایم قابل گذشت تا زمانی که شاکی گذشت خود را اعلام نکرده، حق تجدیدنظرخواهی دادستان نسبت به آراء براءت به قوت خود باقی است. به علاوه، گاه دیوان مانع گسترده شدن اعتراض به آراء شده؛ چندان که طی رأی وحدت رویه شماره ۸۱۷ بیان داشت اعسار از پرداخت دیه قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور نیست؛ یا آن‌که در رأی شماره ۷۴۵ صرفاً با استثناء کردن احکام اعدام، آراء محکومیت مرتکبان مواد مخدر تا تاریخ ۱۳۹۴/۳/۳۱ [نسخ ماده ۳۲ قانون مبارزه با مواد مخدر طبق ماده ۵۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری] را قطعی اعلام کرد؛ حال آن‌که دیوان سابق بر این طی رأی وحدت رویه شماره ۷۴۳ احکام اعدام متهمان مواد مخدر را قابل فرجام‌خواهی دانسته بود. جدا از استثنائات مذکور، آراء وحدت رویه شماره ۸۰۸ (قابلیت فرجام‌خواهی از جمع دیات صدمات متعدد نزد دیوان عالی کشور)، ۷۹۶ (عدم تأثیر قانون کاهش حبس تعزیری در قابلیت فرجام‌خواهی با توجه به درجه مجازات قانونی جرم در زمان صدور رأی)، ۷۸۷ (عدم تغییر صلاحیت دیوان عالی کشور در فرجام‌خواهی در چهارچوب رسیدگی‌های دادگاه‌های کیفری یک) و ۷۳۷ (امکان اعاده دادرسی محکومان به قصاص نفس زیر هجده سال) نشان از تمایل هیأت عمومی دیوان عالی کشور بر توسعه دامنه اعتراض به آراء دارد.

۳-۳. تعدی از نص قانون

به خلاف دیدگاه مونتسکیو،^۱ قضات، فقط زبانی برای بیان قانون نیستند (Silt-ala, 2000: 3)؛ زیرا در مواردی که هیأت عمومی دیوان عالی کشور از نص قانون عدول می‌کند، گاه همراه با مصلحت‌اندیشی‌های اجرایی است؛ بدین معنا که در مقام

1. Montesquieu.

اجرای قانون، مشکلات و چالش‌هایی به وجود می‌آید که واضعان قانون آگاهی چندانی به آن ندارند و قضات هیأت عمومی تلاش می‌کنند در قالب صدور رأی وحدت رویه، اشکالات اجرایی را مدیریت کنند. از این رو، در رابطه با رأی وحدت رویه شماره ۷۴۲ گفته شده است هیأت عمومی دیوان عالی کشور با انگیزه جلوگیری از خیل عظیم پرونده‌های درخواست اعاده دادرسی که «بدون دلیل کافی و صرفاً برای به تأخیر انداختن اجرای احکام مبنی بر کیفر سالب حیات یا سایر مجازات‌های بدنی» مطرح می‌شوند، از نص تبصره ماده ۴۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری عبور کرده است (خالقی، ۲/۱۳۹۵: ۱۱۲). تبصره مذکور مقرر داشته «... شعبه دیوان عالی کشور با وصول تقاضای اعاده دادرسی قبل از اتخاذ تصمیم درباره تقاضا، دستور توقف اجرای حکم را می‌دهد»، اما در رأی وحدت رویه شماره ۷۴۲ بیان شده است: «... شعبه دیوان عالی کشور برای صدور دستور توقف اجرای حکم، ابتدا باید درخواست را بررسی و ملاحظه و چنانچه نظر اعضای شعبه بر رد درخواست باشد صدور دستور توقف اجرای حکم امر بی‌فایده و لغوی است...».

این رویکرد مصلحت‌اندیش در رأی وحدت رویه شماره ۷۴۶ نیز ظهور پیدا کرد. با توجه به این که ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی قاعده کلی اعمال مجازات‌های جایگزین حبس را تعیین می‌کند و عدم توجه به مفاد آن موجب لغو و بی‌اثر شدن ماده پیش‌گفته می‌شود، اما دیوان صدور مجازات جایگزین حبس را منصرف از ماده ۶۴ دانست. دلیل صدور این رأی را می‌توان در مصاحبه معاون نظارت دیوان عالی کشور پیدا کرد. ایشان بیان می‌کند «بسیار خرسندیم که صدور این رأی با فرامین مقام معظم رهبری و تأکید معظم‌له به قوه قضاییه در حبس‌زدایی و تعیین مجازات‌های جایگزین حبس هم‌زمان شد و مصالح عمومی نیز در جلوگیری از اثرات سوء زندان در برخی از جرائم عمدی که مجازات‌های کمتری داشتند و همچنین جرائم غیر عمدی تأمین گردید» (خبرگزاری میزان، ۱۳۹۵)؛ بنابراین آنچه موجب شد اصل مذکور در ماده ۶۴ نادیده گرفته شود، همانا گرایش به سیاست حبس‌زدا بود.

در صدور رأی وحدت رویه شماره ۷۴۰ که منجر به تعیین ارش در فرض از بین بردن طحال گردید، صراحت ماده ۵۶۳ قانون مجازات اسلامی نادیده انگاشته شد. مطابق اصل مقرر در ماده مذکور «از بین بردن هر یک از اعضای فرد و هر دو عضو از

اعضای زوج، دیه کامل» دارد؛ بنابراین در شرایطی که دیه اعضای داخلی مورد حکم واقع نشده، با پذیرش تفسیر دیوان در تمام موارد باید قائل به ارش بود و نص صریح ماده ۵۶۳ را لغو و بی اثر دانست. از این رو، در برابر استدلال هیأت عمومی دیوان عالی کشور مبنی بر این که فتاوی فقہی نیز در صورت از بین رفتن طحال قائل به تعیین ارش هستند، گفته شده «استناد به فتاوی فقہی در جایی قابل توجیه است که نسبت به موضوع در قانون، یکی از حالات سکوت، نقص، اجمال یا تعارض وجود داشته باشد که با وجود حکم صریح ماده ۵۶۳، استناد به منابعی و رای متون مدون قانونی تأمل برانگیز است» (اکرمی، ۱۳۹۴: ۱۴۲).

۴. جهات و دلایل کثرت آراء وحدت رویه کیفری

با روش تحلیل محتوای کیفی، پنجاه و هشت رأی وحدت رویه صاداری در فاصله زمانی ۱۳۹۲ تا انتهای ۱۴۰۲ بررسی شد و در مجموع مهم ترین دلایل صدور آراء مذکور را حسب عوامل زمینه‌ای و روابط علی میان اختلاف و کثرت آراء وحدت رویه، می توان در مشارکت حداقلی کارگزاران اجرایی در روند تصویب قوانین، پراکندگی قوانین کیفری، عدم انسجام بین سیاست کیفری تقنینی و قضایی و آزمایشی بودن قوانین طبقه بندی کرد.

۴-۱. مشارکت حداقلی کارگزاران اجرایی در روند تصویب قوانین

هدف مجالس قانون گذاری آن است که بر اساس تشریفات اقدام به وضع قواعد کلی لازم الاجرا کنند (Waldron, 2006: 236). این قاعده گذاری کلی که از آن به عنوان «قانون» یاد می شود (هارت، ۱۳۹۰: ۵۹) گاه فارغ از آن است که در مقام اجرا و در راهروهای دادسرا و دادگاه چه می گذرد. چندان که بیان شد در دهه نود تعداد آراء شکلی بر آراء ماهوی غلبه دارد. چنین کثرتی گواه آن است که در مقام وضع قانون، فروضی که می تواند هنگام اجرا موجب حدوث اختلاف بین مراجع قضایی شود از نظر قانون گذار مغفول مانده است؛ چه این که آراء شکلی عموماً ناظر بر آیین های اداری است (مانند این که چه کسی حق اعتراض دارد، در فرض وقوع اختلاف کدام مرجع صالح به رسیدگی است یا مرجع صالح جهت رسیدگی به اعتراض کدام است) و تنسیق چنین آیین هایی مستلزم بهره گیری از تجربه کسانی است که سال ها درگیر امور اجرایی بوده اند. در هر حال، منصرف از آراء وحدت رویه، نظریه های مشورتی

اداره حقوقی قوه قضاییه نیز بعد از سال ۱۳۹۲ به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش پیدا کرده و گاه همین نظریه‌های مشورتی تبدیل به رویه قضایی شده است. از این رو، در تقویت و اعتلای قانون‌گذاری کیفری می‌توان از رویه قضایی بهره گرفت (صدقاتی و دیگران، ۱۳۹۹: ۴۳۶)؛ گرچه با «تفسیر قانون می‌توان پاره‌ای از کژروی‌های قانون‌گذار را تصحیح کرد» (آقایی‌نیا و شجاعی، ۱۳۹۰: ۵۴)، اما چالش اساسی از آن‌جا ناشی می‌شود که پس از تصویب قانون، نظام قضایی با سیلی از اختلاف نظرها مواجه می‌شود و در این میان، آراء وحدت رویه، نظریات مشورتی، آراء اصراری دیوان عالی کشور و ... با کارآمدی هر چه بیشتر در صدد رفع نقایص قانون برمی‌آیند. به همین خاطر در شأن تفسیر قضایی گفته شده که قانون‌گذاری همراه با عدم اطمینان است که تنها به وسیله تفسیر قضایی^۱ می‌توان به اطمینان رسید (Slapper & Kelly, 2003: 173)، اما پس از سپری شدن چندین سال که نظام قضایی با رویه‌های یکسانی مألوف شده، به ناگاه قانون‌گذار با وضع مقررات و ایجاد نهادهای جدید، تمام اندوخته‌های گذشته را محو می‌کند. اگر به پیشینه تصویب قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری مراجعه کنیم، کاملاً متوجه چنین فرایندی خواهیم شد. از این رو اقتضاء دارد اکنون و پس از سپری شدن حدود چهار دهه از قانون‌گذاری کیفری پس از انقلاب، تا قبل از اتمام مهلت آزمایشی قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی، پیش‌نویس قانون نه در «اتاق‌های بسته» که با مشارکت حداکثری کلیه کارگزاران اجرایی اعم از قضات، وکلا، کارشناسان، اساتید حقوق، ضابطان و ... تهیه و تدوین شود تا در مقام اجرا، با کمترین ابهام و اختلاف همراه باشد.

۴-۲. پراکندگی قوانین کیفری

پیش‌بینی تمام وقایع در متن قانون از حد توان انسان خارج است (Walker, 1985: 104)، اما این نقیصه نباید با قوانین متعدد و پراکنده جبران شود؛ زیرا تعدد مراجع قانون‌گذار کیفری و سیاست‌های متفاوت تقنینی در برهه‌های زمانی خاص، موجب شده تا نظام عدالت کیفری ایران با تورم قوانین کیفری و تعدد عناوین مجرمانه مواجه شود. به علاوه، از نیمه دهه نود خورشیدی بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها که تعدادی از آن‌ها استیذانی هستند، داخل در قلمرو حقوق کیفری شده است (رستمی،

1. Judicial Interpretation.

۱۴۰۰: ۲۹۸). جدا از آن‌که، تورم کیفری موجبی برای بی‌هنجاری است؛ از این حیث که موجب تردید شهروندان در خصوص رفتار مجاز و غیر قانونی می‌شود (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۹۰: ۱۳۹۰)، چنین کثرتی موجب شده تا یکپارچگی در قوانین و مقررات ایجاد نشود و در مقام اجرای قانون، با تمسک به اصول تفسیری، تقدم و تأخر قوانین، ناسخ و منسوخ و تخصیص، در پی کشف مراد مقنن برآمد. به عنوان نمونه می‌توان گفت قواعد تکرار و تعدد جرم جزء قواعد عام حقوق کیفری بوده و هر آن‌چه در قانون مجازات اسلامی بیان شده، نسبت به هر عنوان مجرمانه‌ای قابل اعمال است. همین موضوع در خصوص مواد مخدر موضوع اختلاف می‌شود و هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه ۷۷۶ مقرر نمود «مستنبط از مقررات ماده ۹ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مجمع تشخیص مصلحت نظام، این است که برای اعمال مقررات تشدید مجازات در اثر تکرار، نسبت به مرتکبان جرائم موضوع بندهای یک تا پنج ماده هشت این قانون، انطباق جرم مذکور در هر بند، با محکومیت سابق مربوط به همان بند، از حیث مقدار مواد مخدر لازم است و با این وصف مقررات عمومی ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در این موارد حاکم نیست...». سیاست کیفری تقنینی دو مرجع قانون‌گذاری، یعنی مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس شورای اسلامی، موجب بروز چنین اختلافی شده است.

پراکندگی مقررات‌گذاری کیفری در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ نیز مشهود است؛ چرا که پس از تصویب این قانون، ابهام در رابطه با رفتارهای مجرمانه داخل در عنوان قاچاق و صلاحیت‌های رسیدگی به صورت مکرر مطرح شد؛ چندان که در مورد نگهداری تجهیزات دریافت از ماهواره و حمل چوب جنگلی غیرمجاز منجر به مداخله هیأت عمومی و صدور آراء وحدت رویه شماره ۷۵۱ و ۷۴۹ شد. همچنین ایجاد صلاحیت رسیدگی برای شعب سازمان تعزیرات حکومتی در رسیدگی به پرونده‌های قاچاق تحت‌عنوان تخلف و صلاحیت رسیدگی برای دادگاه انقلاب، موجب شده تا در حدود صلاحیت این دو مرجع اختلاف نظر پیش آید؛ چندان که اثر چنین بحثی را می‌توان در آراء وحدت رویه شماره ۷۳۶ و ۷۴۹ ملاحظه کرد.

۳-۴. عدم انسجام بین سیاست کیفری تقنینی و قضایی

اجرای عدالت صرفاً مبتنی بر استدلال و تفسیر نیست، بلکه در آخرین زنجیره از دادرسی، عدالت با تصمیم‌گیری قاضی اجرا می‌شود (Marrani, 2018: 16). در واقع، استدلال و تفسیر امری ذهنی،^۱ اما تصمیم‌گیری امری عینی^۲ است؛ لذا شهروندان دستگاه عدالت کیفری را نه بر مبنای استدلال و تفسیر قاضی؛ که بر اساس تصمیم‌گیری او قضاوت می‌کنند. بر همین اساس، تصمیم‌گیری یا تجلی قانون در مرحله اجراء را می‌توان در آراء صادره از سوی محاکم، نظریه‌های مشورتی و آراء وحدت رویه مشاهده کرد. دقت در این سه نهاد معیاری است برای آن‌که بتوان میزان هم‌سویی سیاست تقنینی و قضایی را سنجی؛. چندان که تجربه نظام‌های حقوقی کامن‌لا و رومی ژرمنی نیز نشان داده، همواره باید بین قانون و رویه قضایی نوعی توازن و تعادل برقرار باشد (وکیلان، ۱۳۹۷: ۷۶)؛ بنابراین حالت ایده‌آل آن است که قانون‌گذار و مجری قانون سیاست مشترکی داشته باشند؛ در غیر این صورت، با قانون متروک مواجه خواهیم بود؛ یعنی قانونی که با وجود امکان اجراء، از سوی نهادهای رسمی به آن عمل نمی‌شود (میرزایی، ۱۳۹۰: ۶۹). با این حال، در عرصه حقوق کیفری با وجود اصل قانونی بودن، نهادهای رسمی و کارگزاران عدالت کیفری مکلف هستند تابع قانون باشند، اما گاه رویه قضایی سعی می‌کند با تفسیرهایی از شدت قانون بکاهد، به همین جهت گفته شده است قضاوت تلفیقی از قانون و تفسیر قانون است (Klaus and others, 2023: 252). به عنوان نمونه، متأثر از یافته‌های جرم‌شناسی محکومان^۳ (محمودی جانکی، ۱۳۹۷: ۸۴)، رویه قضایی با عدول از شرایط مقرر قانونی مانند آنچه در خصوص مجازات‌های شدید مواد مخدر وجود دارد، تلاش می‌کند تا حد امکان از اعمال مجازات‌های اعدام یا حبس‌های طولانی‌مدت اجتناب کند. گفته شده است که عدم هم‌سویی بین قانون و اجرای آن، موجب کاهش اثر ارعایی مجازات‌های شدید مواد مخدر نزد متهمان و محکومان شده است (حسینی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۶۹). در آراء وحدت رویه ناظر به جرایم مرتبط با مواد مخدر نیز تقابل با رویکرد سخت‌گیرانه سیاست کیفری تقنینی قابل مشاهده است؛ چندان که در رأی وحدت

1. Subjective.

2. Objective.

3. Convicts Criminology.

رویه شماره ۷۸۳، مجازات قابل اجراء؛ و نه مجازات اعدام و حبس ابد، مبنای محاسبه و اعمال تخفیف در نظر گرفته شده است؛ در رأی وحدت رویه شماره ۸۱۴، تفسیر مضیقی از عنوان کیفری «ارسال» صورت گرفته و در رأی وحدت رویه شماره ۸۲۶ «سابقه محکومیت قطعی» با لحاظ اعمال نهادهای ارفاقی محاسبه شده است.

۴-۴. قوانین آزمایشی؛ اصلاحات و الحاقات متعدد

اصل هشتماد و پنجم قانون اساسی استثنایی بر قانون گذاری محسوب می شود؛ چندان که صدر این اصل، در مقام وضع قاعده مقرر داشته است: «مجلس نمی تواند اختیار قانون گذاری را به شخص یا هیأتی واگذار کند»، اما در «موارد ضروری» مقنن امکان تفویض اختیار وضع قانون را به کمیسیون های داخلی مجلس اعطا کرده است. چنانچه ضرورت به شرایط خاص کشور مانند وجود بحران یا وقوع جنگ تعبیر شود، آن گاه تصویب قانون آزمایشی توجیه پذیر است؛ حال آن که، پس از پیروزی انقلاب اسلامی تقریباً قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری به طور آزمایشی و از مجرای اصل هشتماد و پنجم تصویب شده است؛ به گونه ای که در قلمرو مقررات کیفری، تقنین آزمایشی تبدیل به اصل گردیده است. از سوی دیگر، عموماً با پایان یافتن مهلت آزمایشی «سه ساله» یا «پنج ساله»، به طور مکرر مدت اجرای قانون تمدید می شود. منصرف از این که چنین رویکردی موجب تزلزل نظام حقوقی می شود (بارانی بیرانوند و مختاری، ۱۳۹۹: ۱۹)، در مرحله اجراء نیز موجب خواهد شد رویه قضایی منسجم و قابل اتکایی شکل نگیرد. در این شرایط، ضمن اشراف بر نقدهای وارد بر تجربه گرایی (کبریتی و نوبهار، ۱۳۹۹: ۲۶۸-۲۶۹)، باید در تقنین از پژوهش های تجربی نیز بهره جست تا بتوان خلأها و کاستی های قوانین آزمایشی را شناسایی کرد. تغییر مکرر قوانین، نظام دادرسی کیفری را با تحولات کلانی مواجه کرده است؛ حذف دادسرا، تغییر در صلاحیت دادگاه ها، ایجاد دادگاه ها و مجتمع های تخصصی، تأسیس نهادهای جدید و ... جملگی مواردی هستند که موجب شده چالش ها و ابهام های بسیاری میان قضات شکل گیرد و گاه پرونده ای از جهات شکلی با اطاله رسیدگی مواجه شود؛ بنابراین به جای آن که با آمارگرایی و صدور بخشنامه های دستوری، بر تسریع در رسیدگی تأکید شود که خود با استقلال مرجع

قضایی^۱ مغایرت دارد (Randolph, 1991: 34)، باید قوانین شکلی به درستی تنقیح شود. چندان که از آراء وحدت رویه صادره در دهه نود شمسی قابل استنتاج است، اختلاف در صلاحیت جزء پرتکرارترین آراء بوده؛ این امر به‌وضوح حکایت از عدم آشنایی نویسندگان قانون با امور اجرایی و عملیاتی در دادسرا و دادگاه‌های کیفری دارد. از سوی دیگر، در حقوق کیفری ماهوی، تغییر مکرر قوانین بیش از آن‌که ناظر به جرم‌انگاری یا جرم‌زدایی باشد، بنیان‌های حقوق کیفری عمومی را متحول کرده و قطعاً همین موضوع برکل قوانین کیفری اثرگذار است. کاهش مجازات حبس‌های تعزیری، مدرج شدن مجازات‌های تعزیری، تأسیس نهادهای ارفاقی و ... صرفاً بر یک جرم خاص اثرگذار نیست، بلکه اثر آن‌را می‌توان در قوانین خاص کیفری نیز جست‌وجو کرد؛ چندان که ثمره این اثرگذاری در آراء وحدت رویه کیفری نمود یافته است؛ حال آن‌که، ثبات در بنیان‌ها و نهادهای پایه‌ای حقوق کیفری ماهوی و شکلی، موجب انسجام و اتقان آراء صادره از سوی محاکم خواهد شد و مانع محکمی در برابر اختلاف و تعارض در رسیدگی‌های قضایی است.

1. Independence of the Judicial Authority.

برآمد

۱- آراء وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور، رویه قضایی خاص و الزام‌آوری را در نظام حقوقی ایران ایجاد کرده است که در این معنا، مشابه چنین نهادی در کشورهای فرانسه و انگلیس وجود ندارد. در فرانسه به عنوان کشور تابع نظام حقوق نوشته، تفاسیر دیوان عالی ارشادی است. در کامن لا نیز با انتشار گزارش‌های حقوقی، رویه قضایی نه در نتیجه اختلاف بین دو شعبه؛ که طبق قاعده «الزام قضات به متابعت از آراء دادگاه‌های عالی در پرونده‌های مشابه» توسعه پیدا کرده است. به این ترتیب، کلمه «رویه» در عبارت «آراء وحدت رویه» بیش از آن که از نظر محتوا افاده مقصود کند، ظهور در شکل و فرم «رویه» دارد.

۲- رویه قضایی نهادی است که در اثر تکرار در طی سالیان از سوی مراجع رسیدگی‌کننده به ثبات می‌رسد و سپس با ویژگی استمرار مورد پذیرش عموم قضات قرار می‌گیرد؛ که آن را به عنوان «رویه مستقر» یا «عرف قضایی» می‌شناسند؛ حال آن که، به خلاف آراء اصراری، آراء وحدت رویه صرفاً مبین قاعده‌گذاری الزام‌آور هیأت عمومی دیوان عالی کشور است و مجالی برای شکل‌گیری رویه قضایی با ویژگی «ثبات» و «استمرار» باقی نمی‌گذارد. به طور ویژه در امور کیفری، رأی وحدت رویه تبدیل به نهادی برای پر کردن خلأها و کاستی‌های قانون‌گذاری شده است و تحلیل محتوای آراء صادره از سال ۱۳۹۲ تا انتهای سال ۱۴۰۲ حکایت از آن دارد که بین تصویب قوانین و کثرت صدور آراء وحدت رویه نسبت مستقیمی وجود دارد.

۳- در قلمرو حقوق کیفری، تصویب قوانین جدید و اصلاحات مکرر، نهاد رأی وحدت رویه را از شأن تفسیری به قاعده‌گذاری و گاه تکمیل خلأهای قانون‌گذاری، تقلیل داده است. با تدقیق در آراء وحدت رویه دهه نود شمسی، می‌توان دلیل کثرت آراء را در مشارکت حداقلی کارگزاران اجرایی، پراکندگی و آزمایشی بودن قوانین و عدم انسجام بین سیاست کیفری تقنینی و قضایی جست‌وجو کرد. در عین حال، هیأت عمومی دیوان عالی کشور، متأثر از دلایل مذکور، به دور از روش‌شناسی ضابطه‌مند و گاه با تعدی از نص قانون، نسبت به صدور آراء وحدت رویه اقدام می‌کند.

۴- از دیگر مولفه‌های سیاست کیفری هیأت عمومی دیوان عالی کشور که طی سال‌های اخیر بر آن تأکید شده، اتخاذ سیاست کیفری سهل‌گیرانه است. نمود چنین سیاستی را می‌توان در توسعه نهادهای ارفاقی، غلبه رویکرد بزه‌کار محور، سیاست حبس‌زدا و توسعه اعتراض به آراء مشاهده کرد.

فهرست منابع

الف. فارسی

- * اسلامی پناه، علی (۱۳۹۷)، «رویه قضایی به منزله منبع حقوق»، تحقیقات حقوقی، شماره ۸۴.
- * اکرمی، روح‌الله (۱۳۹۴)، «دیه طحال: با نقدی بر رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور»، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱۳.
- * امیدی، جلیل (۱۳۹۹)، «مسئولیت دیوان عالی کشور در نظام‌مندسازی تفسیر قوانین کیفری»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۵۰، شماره ۱.
- * آقای‌نیا، حسین و شجاعی، علی (۱۳۹۰)، «نقش دادرسان در تفسیر قانون جنایی»، فصل‌نامه حقوق، شماره ۳.
- * بارانی بیرانوند، امیر و مختاری، عبدالله (۱۳۹۹)، «نقد و بررسی تقنین آزمایشی در حوزه قانون‌گذاری»، دانش حقوق عمومی، شماره ۲۹.
- * پورقهرمانی، بابک و نگهدار، ایرج (۱۳۹۷)، «ارزیابی رویکرد قضات به اعمال نهادهای ارفاقی جدید (مطالعه موردی محاکم کیفری استان کردستان)»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴۸، شماره ۲.
- * جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸)، وسیط در ترمینولوژی حقوق، چاپ دوم، تهران: گنج دانش.
- * جمشیدپور، جعفر و خوئینی، غفور و تجری، فرهاد (۱۳۹۹)، «بررسی تطبیقی جایگاه رویه قضایی در نظام حقوقی ایران و فرانسه»، مجلس و راهبرد، شماره ۱۰۱.
- * حسینی، سیدحسین و سلطانی، محمد و صفری، صادق (۱۳۹۸)، «تأثیرات عدم هم‌سویی سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در نگرش متهمان و محکومان جرائم مواد مخدر»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۰۶.
- * خالقی، علی (۱۳۹۵)، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ سی و دوم، تهران: شهر دانش.
- * رستمی، هادی (۱۴۰۰)، «سیاست جنایی بخشناهمدار در فرایند دادرسی کیفری»، مجلس و راهبرد، شماره ۱۲۸.
- * رفیعی، محمدرضا (۱۴۰۰)، «چالش نهاد آراء وحدت رویه»، مجله حقوقی

دادگستری، دوره ۸۵، شماره ۱۱۴.

- * سبزواری نژاد، حجت (۱۴۰۱)، «ارزیابی سیاست کیفری ایران در قبال رویکرد حبس‌گرایی و حبس‌زدایی»، فصل‌نامه علمی کارآگاه، دوره شانزدهم، شماره ۵۸.
- * صداقتی، سهام و عالی‌پور، حسن و صالحی، کریم و دهشیری، مهدی (۱۳۹۹)، «نقش رویه قضایی در قانون‌گذاری کیفری»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۵۰، شماره ۲.
- * صدرزاده افشار، سیدمحسن (۱۳۷۷)، «تحول دیوان کشور فرانسه»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۲، شماره پیاپی ۱۱۴۴.
- * عقیق، سیدروح‌الله و صالحی، کریم و برخوردار، عارف (۱۴۰۱)، «نادیده‌انگاری بایسته‌های تقنینی در قوانین کیفری ایران در حوزه جرائم علیه امنیت»، دانش حقوق عمومی، شماره ۳۸.
- * غرق، جلیل و رضایی، غلامحسین و هوشیار، مهدی (۱۴۰۰)، «معیارهای تفکیک قوانین ماهوی از قوانین شکلی از حیث اهداف، ویژگی‌ها و کارکرد در حقوق کیفری ایران»، فقه جزایی تطبیقی، دوره اول، شماره ۴.
- * فوکو، میشل (۱۳۹۰)، مراقبت و تنبیه: تولد زندان، برگردان: نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، چاپ نهم، تهران: نی.
- * قیاسی، جلال‌الدین (۱۳۹۸)، روش تفسیر قوانین کیفری، ویرایش دوم، قم: بوستان کتاب.
- * کبریتی، محمدجواد و نوبهار، رحیم (۱۳۹۹)، «رویکرد تجربی به مجازات؛ چشم‌انداز اسلامی»، مطالعات حقوقی معاصر، سال یازدهم، شماره ۲۰.
- * لازرژ، کریستین (۱۳۹۰)، درآمدی بر سیاست جنایی، برگردان: علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران: میزان.
- * محمودی جانکی، فیروز (۱۳۹۷)، «رویکردی نو در شناخت زیست‌محکومان»، در: دانشنامه جرم‌شناسی محکومان، به کوشش: عباس شیری با همکاری گروهی از اساتید و پژوهشگران جرم‌شناسی، چاپ نخست، تهران: میزان.
- * میرزایی یزدی، زهرا و موسوی، سیداسماعیل (۱۳۹۹)، «تأثیر قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ بر کیفرزدایی»، قانون‌یار، دوره ۴، شماره ۱۹.

- * میرزایی، اقبال‌علی (۱۳۹۰)، «قانون متروک: مبانی، مفهوم و مصادیق»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۴.
- * نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین و هاشم‌بیگی، حمید (۱۳۹۰)، دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ دوم، تهران: گنج دانش.
- * نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۹۰)، «درباره‌ی اصطلاح سیاست جنایی (دیباچه ویراست دوم)»، در: درآمدی بر سیاست جنایی، نوشته کریستین لازرژ، برگردان: علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران: میزان.
- * نجفی، رضا و گرجی ازندریانی، علی‌اکبر و تقی‌زاده، علی (۱۳۹۸)، «رویکرد تفسیری دیوان عالی کشور در حمایت از حقوق و آزادی‌ها با تأکید بر آراء حقوقی»، پژوهش حقوق عمومی، شماره ۶۲.
- * وایت، راب و هینز، فیونا (۱۴۰۱)، جرم و جرم‌شناسی؛ متن درسی نظریه‌های کجروی، برگردان: علی سلیمی، چاپ یازدهم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- * وکیلان، حسن (۱۳۹۷)، «جایگاه رویه قضایی و قانون به‌عنوان منابع حقوق در دکتترین حقوقی»، پژوهش حقوق عمومی، شماره ۵۸.
- * هارت، هربرت (۱۳۹۰)، مفهوم قانون، برگردان: محمد راسخ، چاپ دوم، تهران: نی.

ب. انگلیسی

- * Baker, John, 2019, **An Introduction to English Legal History**, Fifth Edition, Oxford University Press.
- * Barker & Padfield, David & Colin, 2007, **Law Made Simple**, twelfth edition, Oxford.
- * Brooks, Thom, 2012, **Punishment**, first published, Routledge.
- * Duxbury, Neil, 2008, **The Nature and Authority of Precedent**, Cambridge, Cambridge University Press.
- * Klaus, Rzeplinska, 2023, **Snares and Panis, or What Stands in the Path to Desistance from Crime**, Book of Criminal Careers: Life and Crime Trajectories of Former Juvenile Offenders in Adulthood,

edited by Klaus, Rzeplinska and Wozniakowska-Fajst, Witold, Irena and Dagmara, Routledge.

* Marrani, David, 2018, **Space, Time, Justice: From Archaic Rituals to Contemporary Perspectives**, First Published, Routledge.

* Randolph, N. Stone, 1991, **Crisis in the Criminal Justice System**, Harvard Blackletter Journal, Vol. 8.

* Seymour M, 2006, **Alternatives to Custody in Ireland Report**, Alternatives to Custody in Ireland is a report commissioned by Business in the Community Ireland and produced in partnership with IPRT, Irish penal Reform Trust.

* Siltala, Raimo, 2000, **A Theory of Precedent**, Oxford, Hart Publishing

* Slapper & Kelly, Gary & David, 2003, **The English Legal System**, 6th edition, Cavendish Publishing Limited.

* Waldron, Jeremy, 2006, **Legislation**, in: The Blackwell Guide to the Philosophy of Law and Legal Theory, Martin P. Golding and William A. Edmonson, (eds), Oxford, Blackwell Publishing.

* Walker, R.J. 1985, **The English legal system**, London, Butterworth.

پ. اینترنتی

* پایگاه اینترنتی روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، به نشانی: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران (rrk.ir)

* خبرگزاری میزان، کد خبر: ۱۹۶۰۵۹، آخرین بازدید: ۱۴۰۲/۳/۱۵، به نشانی: اقدام مهم دیوان عالی کشور در مورد مجازات‌های جایگزین حبس (mizanonline.ir)

* وبسایت خبرگزاری خبرآنلاین، آخرین بازدید: ۱۴۰۲/۳/۶، به نشانی: تعداد زندانیان در ایران بالاتر از میانگین جهانی - خبرآنلاین (khabaronline.ir)

* وبسایت خبرگزاری مهر، آخرین بازدید: ۱۴۰۲/۳/۶، به نشانی: تشریح نحوه محاسبه هزینه ۱۰ میلیونی هر زندانی - خبرگزاری مهر/ اخبار ایران و جهان / Mehr

News Agency

- * وبسایت سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، آخرین بازدید،
به نشانی: سازمان زندان‌ها (prisons.ir) ۱۴۰۲/۴/۱۶
- * وبسایت گزارش‌های حقوقی انگلستان و ولز (ICLR)، آخرین بازدید:
Welcome to ICLR: به نشانی: ۱۴۰۳/۱/۲۲
- * وبسایت مجله مشاورین حقوقی انگلستان، آخرین بازدید: ۱۴۰۳/۱/۲۲، به نشانی:
Solicitors Journal | Legal news, opinion and practice notes